

بسم الله الرحمن الرحيم

بررسی اجاره‌ی رحم از نظر فقه شیعه

سمیه کياهور^۱

ساجده سخاوت^۲

فاطمه غفاری^۳

راضیه اروجلو^۴

حانیه نصرتی^۵

چکیده

بحث رحم اجاره‌ای از جمله مسائل مستحدثه‌ای است که با پیشرفت علم پزشکی ایجاد شده و در صدر اسلام مطرح نبوده است. با توجه به آیات و روایات موجود، برخی از مراجع حکم به جواز و برخی حکم به عدم جواز اجاره‌ی رحم داده‌اند. رحم اجاره‌ای، نسب، والدین حکمی و مادر جایگزین از جمله مفاهیم بنیادینی هستند که ما در این مقاله به توضیح آنها خواهیم پرداخت. با توجه به گستردگی بحث، ما در این مقاله سعی کرده‌ایم ضمن رعایت اختصار مطالب را به نحوی جامع با رویکردی توصیفی و تحلیلی تدوین، تبویب و تبیین نماییم. لذا در همین راستا، اجاره‌ی رحم با جنین اهدایی و اجاره‌ی رحم با تخمک اهدایی در بیان انواع قراردادهای رحم اجاره‌ای در فقه شیعه، انتساب طفل به پدر و مادر در بررسی نسب، رحم‌های جایگزین کلی و جزئی در تبیین انواع روش‌های به‌کارگیری رحم اجاره‌ای در فقه شیعه، و بالأخره نفقه، ارث، محرمیت و حضانت در توضیح آثار و نتایج قراردادهای مالی و غیرمالی رحم اجاره‌ای مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند.

واژگان کلیدی: رحم اجاره‌ای، نسب، والدین حکمی، مادر جایگزین

^۱ استاد حوزه‌ی علمیه و استاد راهنما

^۲ طلبه‌ی سطح دو حوزه‌ی علمیه‌ی حضرت خدیجه کبری سلام‌الله علیها شهر پرند

^۳ طلبه‌ی سطح دو حوزه‌ی علمیه‌ی حضرت خدیجه کبری سلام‌الله علیها شهر پرند

^۴ طلبه‌ی سطح دو حوزه‌ی علمیه‌ی حضرت خدیجه کبری سلام‌الله علیها شهر پرند

^۵ طلبه‌ی سطح دو حوزه‌ی علمیه‌ی حضرت خدیجه کبری سلام‌الله علیها شهر پرند

در عصر جدید بنابر دلایل مختلفی زوجین اقدام به اجاره رحم می‌کنند تا به خواسته خود که همان فرزندان شدن هست برسند. این روش به زوجین این امکان را می‌دهد که از سلول‌های جنسی خودشان یا سلول جنسی یکی از زوجین دارای فرزند شوند. این روش فرزندان شدن را همسران زمانی برمی‌گزینند که زوجین به صورت طبیعی فرزندان نشوند یا مادر مشکلاتی از قبیل نازایی، مشکلات رحمی، مشکلات ژنتیکی و حاملگی مشقت بار را داشته باشد. رحم اجاره‌ای به دو صورت انجام می‌گیرد: الف) از طریق نطفه پدر، در صورتی که عقیم نباشد؛ ب) از طریق تلقیح مصنوعی که در ادامه بحث خواهد آمد. اگر با گذشت پنج سال از ازدواج، زن از همسر خود به سبب عقیم بودن و یا عوارض جسمی دیگر، صاحب فرزندی نشود مرد به زن وکالت بلاعزل با حق توکیل به غیر داده که با مراجعه به دادگاه و دریافت حکم از دادگاه، خود را مطلقه نماید.

فتوایی از فقهای متقدم در زمینه بحث رحم اجاره‌ای به دلیل نوظهور بودن صادر نشده است. پس به ناچار تنها می‌توان به بررسی آراء فقهای معاصر پرداخت. مشهور فقهای معاصر از جمله آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله مکارم شیرازی و آیت‌الله خویی بر جواز این مسئله حکم نموده و در این باره اختلاف چندانی ندارند. تنها عده‌ای معدود از فقها از جمله آیت‌الله تبریزی و آیت‌الله فاضل لنکرانی حکم به عدم جواز نموده‌اند. در عدم جواز اجاره رحم به آیات و روایاتی استناد شده است که هیچ‌گونه دلالتی بر منع ندارند. به همین خاطر اکثر فقهای معاصر بر جواز این عمل فتوا داده و مهم‌ترین دلیلی که در این باره به آن استناد کرده‌اند اصالة الاباحه است. بر اساس این اصل، اگر اسپرم شوهر و تخمک زن در بیرون رحم یعنی در دستگاه مصنوعی به هم آمیخته و نطفه‌ای منعقد گردد، وارد کردن این نطفه (به هر یک از مراحل جنین که رسیده باشد) در رحم این همسر جایز است، اما باید از مقدمات حرام اجتناب کنند و فرزندی که از این طریق متولد می‌شود، فرزند همان زن و شوهر است و همه احکام شرعی فرزندان عادی را دارد. شایان ذکر است مقصود از مقدمات حرام در این مسئله، نگاه مرد نامحرم به بدن زن یا لمس آن است و همچنین انجام عمل استمناء توسط مرد برای تهیه‌ی اسپرم و یا تحمیل بارورسازی مصنوعی به مرد یا زن است. البته اگر این امر، جز با ارتکاب مقدمات حرام ممکن نباشد، در صورت ضرورت اشکال ندارد و منظور از ضرورت این است که مثلاً اگر این کار انجام نشود، زندگی زناشویی آنها مختل می‌شود و یا زن گرفتار بیماری می‌گردد. پس از مشخص شدن حکم تکلیفی مسئله،

بحث از احکام وضعی آن مطرح می‌گردد؛ از جمله این که مادر شرعی در کودک ناشی از رحم اجاره‌ای کیست؟ حکم امور مالی و غیر مالی آن کدام است؟

۱. مفهوم‌شناسی (معنای لغوی و اصطلاحی)

۱.۱. رحم اجاره‌ای

رحم اجاره‌ای به انگلیسی *surrogacy* یک روش برای کمک به تولید مثل است که در آن جنینی که از تخمک و اسپرم یک زوج ایجاد شده است، در رحم یک شخص سوم کاشته می‌شود و تا هنگام رشد طبیعی جنین و زایمان، همراه او خواهد بود. معمولاً پس از زایمان، فرزند به زوجه تعلق می‌گیرد که اسپرم و تخمک از آن‌ها گرفته شده است و در زنی که رحم او از هنگام کاشت سلول تخم تا زایمان، میزبان جنین بوده است، در ازای اجاره دادن رحمش به زوج، از آن‌ها مبلغی تحت عنوان اجاره‌ی رحم دریافت می‌کند. با این حال، به موارد اهدای رحم نیز رحم اجاره‌ای گفته می‌شود.

والدین بنا بر دلایل مختلفی جنین خود را در رحم زن دیگری قرار می‌دهند و فرد دوم بعد از به دنیا آمدن نوزاد را در اختیار والدینی که نطفه از آنان گرفته شده قرار می‌دهد. یعنی فردی قبول کند تا نوزاد فرد دیگری را در بدن خودش پرورش دهد و به دنیا بیاورد و در ازای آن هزینه‌ای دریافت کند. در این شرایط قراردادی بین والدین و فردی که رحم خود را اجاره می‌دهد، بسته می‌شود و فرد باید بعد از به دنیا آمدن نوزاد حضانت و سرپرستی او را به والدین بدهد. درواقع اگر یک خانم توانایی بارداری را نداشته باشد و نتواند نوزاد را در رحم خودش پرورش دهد، بعد از فرآیند لقاح، تخمک بارور شده داخل رحم شخص سوم قرار می‌گیرد و او تا زمان زایمان از جنین مراقبت می‌کند. در برخی شرایط لازم است برای تشکیل جنین از تخمک یا اسپرم فرد دیگری برای بارداری استفاده شود، در این شرایط فرآیند لقاح خارجی انجام می‌شود و طبق قرارداد در بدن فرد سوم قرار می‌گیرد (منبع: مجله پزشکی درمانده).

اجاره رحم، انتقال یک یا شمار بیشتری از جنینهای ناشی از لقاح تخمک و اسپرم زوج نابارور به رحم یک زن دیگر است. در این حالت فرد اجاره دهنده رحم، تنها یک میزبان برای جنین است و از نظر ژنتیکی هیچگونه

مشارکتی با جنین حاصله ندارد. زوج‌هایی که دست به این کار می‌زنند، همسرانشان بدون رحم هستند یا به دلایلی رحمشان با جراحی برداشته شده یا اینکه به دلیل بیماری‌های مختلف مانند دیابت، بیماری قلبی، فشار خون یا بیماری‌های بدخیم توان حمل جنین ندارند. در حقیقت در اجاره رحم، اسپرم پدر با تخمک مادر در محیط آزمایشگاهی لقاح داده می‌شود و جنین حاصله در رحم زن دیگری که قابلیت بچه دار شدن را داشته باشد جایگزین می‌شود و نوزاد متولد شده ویژگی‌های ژنتیکی پدر و مادر خود را به ارث می‌برد. البته به گفته پزشکان، اگر چه فرد حامل جنین از لحاظ چهره و به لحاظ فیزیکی و ژنتیکی تأثیری بر روی جنین نمی‌گذارد، از لحاظ روحی و روانی تا اندازه‌ای می‌تواند بر جنین تأثیرگذار باشد. زوج‌هایی که خواهان اهداء جنین هستند از لحاظ پزشکی باید نسبت به وضعیت بیماری‌های عفونی نظیر مثبت بودن HIV، بیماری‌های ویروسی، ژنتیکی سالمی جسمانی مورد بررسی قرار گیرند و در صورت نبود مشکل در این زمینه‌ها از جنین‌های آنها استفاده شود («رحم اجاره‌ای و مشکلات ناشی از آن»، ۱۳۹۱ش، ص ۶۴).

۲.۱. نسب

نسب در لغت به معنی خویشاوندی و در اصطلاح به معنی رابطه خویشاوندی از نسل هست. نسب در اصطلاح حقوقی عبارت است از رابطه خویشاوندی بین دو نفر که یکی از نسل دیگری یا هر دو از نسل شخص ثالثی باشند و به طور کلی منتهی شدن دو نفر به منشأ واحد است. این نسب به معنی عام است. اما نسب به معنی خاص عبارت است از رابطه پدر فرزندی یا مادر فرزندی و رابطه طبیعی و خونی میان دو نفر است که یکی به طور مستقیم و بدون واسطه از صلب یا بطن دیگری به دنیا آمده است. به گزارش خبرنگار گروه حقوقی و قضایی، بدون تردید در خصوص نسب طفل حاصل از لقاح مصنوعی و مشروعیت و الحاق نسب وی به زوجین واحد اختلاف نظر بسیار کمتر است. حتی صاحب نظرانی که عمل لقاح مصنوعی به روش فوق را مجاز نمی‌دانند در مشروعیت نسب ناشی از این روش تردیدی ندارند. زیرا طفل مزبور کلیه شرایط لازم جهت الحاق نسب قانونی به صاحبان نطفه از قبیل وجود رابطه زوجیت مشروع بین مرد و زن و تولد طفل در دوران زوجیت و سایر امارات نسب را دارا می‌باشد. لیکن طفل متولد شده از طریق رحم اجاره‌ای ملحق به صاحب اسپرم و تخمک است. توارث یکی از موجبات ارث است، و بدین معناست که

اشخاصی به موجب قانون از یکدیگر ارث می‌برند، که نسب آن‌ها دارای منشأ واحد باشد. بعلاوه یکی از احکام نسب نفقه است، و منظور از نفقه عبارت است از تهیه و تأمین مسکن و البسه و غذا و اثاث البیت به قدر نیاز، که با توجه به درجه استطاعت نفقه دهنده در نظر گرفته می‌شود. البته در حال حاضر و به موجب قانون این نفقه شامل نفقه اولاد حاصل از لقاح مصنوعی نیز می‌شود. سومین حکم نسب، حضانت است که بمعنی نگاهداشتن طفل، مواظبت و مراقبت او و تنظیم روابط او با خارج است. قانون‌گذار ایران نگهداری و تربیت اطفال را به پدر و مادر آن‌ها اعطاء کرده است. نگهداری به معنای عام کلمه شامل همه کارهایی است که برای سرپرستی و مواظبت از طفل و کودک لازم است. البته حضانت بیشتر ناظر به حمایت جسمی از کودک است، هر چند که حمایت روحی و اخلاقی طفل در این نهاد حقوقی، دیده شده است. یکی از احکام دیگر نسب ولایت بر اطفال است. ولایت در روابط خانوادگی عبارت است از اقتداری که قانونگذار به منظور اداره امور مالی و گاه تربیت کودک و طفل به اشتراک به پدر و جد پدری اعطا کرده است و لیکن مادر نسبت به اداره اموال فرزند خود هیچ سمتی ندارد. آخرین حکم نسب، حرمت نکاح با اقارب نسبی است. در نهایت اینکه فرزند حاصل از لقاح مصنوعی با شخص ثالث، یعنی کسیکه نطفه درون رحم وی کاشته شده، و شوهرش محرم است هر چند صاحبان نطفه پدر و مادر اصلی او بحساب آیند (منبع: مجله حقوقی).

در مورد نسب طفل در رحم اجاره‌ای دو حالت متصور است:

۱- زن که طفل در رحم او رشد می‌کند اسپرم جهت انعقاد جنین نیز از شوهر گرفته می‌شود در این صورت که جنین از اسپرم او تشکیل شده باشد اشکالی ندارد که نسب طفل منتسب به شوهر زن (رحم اجاره‌ای) است نه کسی که رحم را اجاره کرده است زیرا هیچ گونه رابطه‌ای با طفل ندارد و اگر تخمک از زن که شوهرش رحم را اجاره کرده است در الحاق طفل به این زن نیز مشکلی پیش نمی‌آید ولی چنانچه تخمک از صاحب رحم گرفته شود طفل ملحق به شوهر زن صاحب رحم است نه کسی که رحم را اجاره کرده است و با آنها هیچ گونه قرابت نسبی ندارد (سید حسین صفایی، ص ۳۲۲).

۲- زمانی که زن طفل در رحم او رشد می‌کند هیچ گونه نقشی در تشکیل جنین ندارد در این مورد علی‌الاصول طفل ملحق به صاحب اسپرم و تخمک است لیکن از آنجا که تولید با روش مصنوعی زنان به شمار نمی‌رود در لقاح آن طفل به پدر و مادر ژنتیکی یعنی صاحب اسپرم و تخمک اشکالی نیست بنابراین نسب طفل نسب پدر و مادر

۵,۱. مالی

۵,۱,۱ نفقه

نفقه‌ی فرزند مشترک، از جمله امور مالی می‌باشد که زوجین در صورت جدایی باید نسبت به آن اظهار نظر نمایند. حضانت فرزند تا ۷ سال چه پسر یا دختر با مادر می‌باشد و نام برده مکلف به پرداخت هزینه‌های فرزند مشترک، در حد عرف می‌باشد. نفقه فرزند ذکور تا ۱۸ سال و اناث تا مادام که دختر ازدواج نکرده، برعهده‌ی پدر است. البته توافق زوجین پس از جدایی هم ملاک عمل می‌باشد. پرداخت نفقه فرزند، بعد از فوت پدر، طبق ماده ۱۱۹۹ قانون مدنی، برعهده اجداد پدری است در صورت نبودن پدر و اجداد پدری یا عدم قدرت آنها، نفقه بر عهده مادر می‌باشد. هرگاه مادر هم مرده باشد یا قادر به انفاق نباشد، بر عهده اجداد و جدات مادری می‌باشد. جدات پدری واجب‌النفقه است و اگر چند نفر از اجداد و اجداد مزبور، مساوی باشند، نفقه را باید به حصه متساوی تأدیه نمایند. بنابراین همان‌گونه که آنان در صورت فوت فرزند ارث می‌برند، حق حضانت و پرداخت نفقه را نیز قانون‌گذار برعهده آنان محول کرده است (منبع: گروه وکلای دادگستری ره جویان عدالت).

۵,۱,۲ ارث

فروض گوناگونی در این مورد مطرح شده است. در صورتی که مادر جانشین مادر قانونی طفل باشد، شوهردار بودن وی در زمان تولد مانع اجرای حق حضانت خواهد بود در فرض دو مادری بودن طفل با استناد به قواعد حاکم بر حضانت و ارتباط آنها با نظم عمومی و رعایت ملاک مصلحت و سعادت طفل مادر حکمی را به عنوان کسی که حضانت طفل با اوست، تعیین نموده اند. مباحث گوناگونی پیرامون ارث و وصیت در مورد حالت مادر جانشین مطرح شده است در صورتی که قائل به دو مادری بودن طفل باشیم وی از طریق دو رابطه مادری ارث خواهد برد.

۵,۲. غیرمالی

۵,۲,۱ محرمیت

چند روش برای پرورش جنین در رحم جایگزین وجود دارد. ما در اینجا فقط به مسائلی می‌پردازیم که نطفه از خود زوج می‌باشد که در رحم دیگری پرورش می‌یابد. در صورتی که نطفه زوجین در خارج از رحم تلقیح شود و سپس به رحم زن دیگری منتقل گردد، این کار ذاتاً اشکالی ندارد. ولی با توجه به این که غالباً مستلزم نظر و لمس حرام است جز در موارد ضرورت جایز نیست. اگر اسپرم مال پدر باشد و همسر مرد هیچ گونه دخالتی در لقاح و پرورش جنین نداشته باشد، فرزند متولد شده فقط به پدر واقوام پدری محرم خواهد بود. یا اگر نطفه فقط از مادر گرفته شده باشد و با اسپرم مرد دیگری جز همسرزن، و در آزمایشگاه لقاح انجام گرفته باشد و به رحم اجاره ای منتقل شود، فرزند متولد شده فقط بر مادر واقوام مادری محرم خواهد بود. و فقط به مادرو مرد صاحب اسپرم و خانواده های این دو، محرم خواهد بود.

۵,۲,۲ حضانت

حضانت واژه عربی است که به معنای حفظ کردن، در کنار گرفتن، پرورش دادن و در اصطلاح عبارت است از نگهداری مادی و معنوی طفل توسط کسانی که قانون مقرر داشته است. از آنجا که ناباروری یکی از مشکلات خانواده ها در اقصی نقاط جهان است. یک راه حل برای این معضل استفاده از رحم جایگزین است. پدیده نوینی که در طی آن بانوی صاحب رحم، نطفه یا جنین فرد دیگری را در رحم خود حمل می کند و پس از دوران بارداری و زایمان، بر مبنای قرارداد از پیش منعقد شده ما بین زوجین نابارور (پدر و مادر حکمی) و خود، متعهد می گردد نوزاد حاصل را به زوج صاحب گامت تحویل دهد. از آنجا که انتساب طفل به پدر، مبتنی بر خلقت کودک از نطفه اوست و صاحب اسپرم، پدر طفل محسوب می شود. بنابراین تعیین نسب پدری و همچنین تعیین (حضانت طفل متولد از بارداری در جانشینی با دشواری خاصی روبرو نیست. و در این خصوص هیچ تفاوتی ما بین حضانت اطفال متولد شده به روش طبیعی و اطفال متولد از رحم جایگزین نیست. لکن در خصوص نسب مادری و تعیین حضانت طفل با چالش هایی رو به رو هستیم و ما را با این پرسش اساسی روبه رو می سازد که حضانت این طفل با کدامیک از این دو مادر است؛ مادر جانشین یا مادر حکمی؟ با توجه به اینکه قواعد مربوط به حضانت جزء قواعد آمره بوده و در ارتباط با نظم عمومی و اخلاق حسنه تلقی می شود باید تنها نسبت به ابوين طفل و ساير افرادی که به موجب قانون مجاز به این کار می

باشند مجری دانست و هیچ کس دیگری حقی در حضانت طفل ندارد. البته مادر جانشین، که طفل نه ماه از شیر جان و خون او تغذیه نموده و بالتبع رشد و نمو کرده است به طریق اولی مادر رضایی طفل منسوب شده و بین آنها صرفاً حریمیت و ممنوعیت در نکاح که تنها اثر نسب رضاعی می باشد ایجاد خواهد شد لکن حضانت چنین طفلی بسته به اینکه در فرایند تلقیح مصنوعی اشتباهی رخ گرفته باشد یا خیر متفاوت خواهد بود. در صورتی که زن صاحب رحم دارای شوهر باشد و تمسک به قاعده فراش ممکن باشد طفل به شوهر آن زن ملحق می گردد و نتیجتاً حضانت این طفل بر عهده زن صاحب رحم و شوهرش است اما اگر تمسک به قاعده فراش ممکن نباشد یا زن صاحب رحم مجرد باشد با وجود تشتت نسبتاً زیاد آراء می توان گفت طفل به هر حال ملحق به صاحب نطفه است و حضانت طفل بر عهده صاحب رحم و صاحب نطفه است.

نتیجه گیری

رحم اجاره‌ای یک روش برای کمک به تولید مثل است که در آن جنینی از تخمک و اسپرم یک زوج ایجاد شده است و در رحم یک شخص سوم کاشته می‌شود و تا هنگام رشد طبیعی جنین و زایمان همراه او خواهد بود. نوزاد متولد شده به زوجی تعلق می‌گیرد که تخمک و اسپرم از آنها گرفته شده است و مبلغی تحت عنوان اجاره‌ی رحم به زنی که رحم او از هنگام کاشت سلول تخم تا زایمان میزبان جنین بوده است، داده می‌شود. نسب به معنای رابطه‌ی پدر-فرزندی یا مادر-فرزندی و رابطه‌ی خونی و طبیعی میان دو نفر در این مقاله تعریف شد و حضانت هم به معنای نگهداشتن طفل و مواظبت و مراقبت او و تنظیم رابطه‌ی او با خارج است که بیشتر ناظر بر حمایت جسمی و سپس، حمایت روحی و اخلاقی است. ولایت عبارت است از اقتداری که قانون‌گذار به منظور اداره‌ی امور مالی و گاه تربیت کودک به اشتراک به پدر و جد پدری اعطا کرده است. حرمت فرزند حاصل از لقاح مصنوعی با شخص ثالث و شوهرش محرم است؛ هرچند که صاحبان نطفه پدر و مادر اصلی او به حساب آیند. والدین حکمی زوجی هستند که برای رشد جنین‌شان اقدام به اجاره‌ی رحم کرده‌اند که در حکم والدین قانونی و شرعی محسوب می‌شوند. به شخص دومی که جنین را در رحم خود پرورش می‌دهد، مادر جایگزین گویند که تنها نقش پرورش‌دهنده‌ی نوزاد را دارد و معمولاً سرپرستی فرزند را به والدین اصلی آن واگذار می‌کند که باید با اقدامات قانونی انجام شود. در جنین‌اهدایی

که حاصل از اسپرم و تخمک اهدایی در رحم مادر جانشین قرار می‌گیرد که مادر جانشین و والدین حکمی از لحاظ ژنتیکی هیچ ارتباطی با نوزاد ندارند و عرفاً نمی‌توان گفت این فرزند، فرزند زوجین است. اما در تخمک اهدایی در این حالت تخمک زن دیگری با اسپرم پدر حکمی لقاح می‌یابد و جنین حاصل در رحم مادر جانشین کاشته می‌شود. مادر جانشین هیچ ارتباط ژنتیکی با بچه ندارد؛ ولی پدر حکمی از لحاظ ژنتیکی با بچه مرتبط است. رحم جایگزین کامل که در آن مادر جانشین هیچ ارتباط ژنتیکی با بچه ندارد و فقط با استفاده از روش‌های کمکی تولید مثل به وی منتقل گردیده و باردار شده است. رحم جایگزین جزئی که در آن مادر جانشین تخمک بارور شده‌ی خود را با اسپرم پدر حکمی حمل می‌کند که مادر جانشین و پدر حکمی ارتباط ژنتیکی با بچه خواهند داشت که البته این موضوع تخصصاً از بحث ما جداست. زیرا در این قسم صاحب تخمک و رحم، مادر اصلی فرزند است.

فقه‌های شیعه برای اثبات انتساب طفل به پدر از اماراتی چون اماره‌ی فراش بهره برده‌اند که در صورت فهم رابطه‌ی زوجیت از معنای فراش می‌توان کودک را به والدین حکمی ملحق کرد. برخی از فقها شرط تحقق نسب و الحاق طفل به پدر را ارتباط زوج و زوجه به طریق متعارف می‌دانند و بر این باورند که نسب با تلقیح ثابت نمی‌شود، اگرچه تلقیح اسپرم زوج به زوجه باشد. لذا بر اساس این باور، در صورت عدم وقوع نزدیکی بین زن و شوهر، طفل به شوهر منتسب نمی‌شود. اما برخی دیگر از فقها مکان نطفه‌ی زوجین را در انتساب بی‌اهمیت دانسته و تعلق نطفه به زوجین را در تحقق نسب مهم شمرده‌اند. از نظر این افراد ارکان تشکیل دهنده‌ی رابطه‌ی مشروع عبارتند از: ۱- رابطه‌ی زوجیت میان مرد و زن (صاحب اسپرم و تخمک)؛ ۲- تکوّن کودک که پس از نزدیکی تحقق یافته است؛ ۳- نزدیکی، که البته مراد از نزدیکی، آمیزش و اختلاط منی مرد با تخمک زن است، نه صرف نزدیکی به شیوه‌ی متعارف. بنابراین، کودک ناشی از این نوع لقاح نیز مشروع می‌باشد. اما فقها در انتساب طفل به مادر سه نظریه را مطرح کرده‌اند: ۱- «مادر بودن صاحب تخمک» که در این نظریه، منشأ پیدایش سلول سازنده‌ی جنین از ناحیه‌ی مادر، تخمک زن دانسته شده و برای رحم زن، نقشی نخستین در پیدایش جنین داده نشده است؛ ۲- «مادر بودن صاحب رحم» که در این نظریه، به‌طور مطلق و به صیغه‌ی حصر مادر کسی است که فرزند را زاییده است؛ ۳- «نظریه‌ی دومادری» که در این نظریه، دومادری نتیجه‌ی دو عامل است: نخست، ارتباط تکوینی و وراثتی فرزند به مادر که به‌وسیله‌ی تخمک حاصل می‌شود و دوم، ارتباط حملی و ولادتی، که به‌وسیله‌ی رحم محقق می‌شود.

قرارداد رحم اجاره‌ای دارای آثار و نتایج مالی و غیرمالی است. ازجمله آثار و نتایج مالی آن بحث نفقه است که بر اساس آن، نفقه فرزند ذکور تا سن ۱۸ سالگی و اناث تا پیش از ازدواج، برعهده‌ی پدر است. اما در بحث ارث با توجه به نظریه‌های مطرح در انتساب طفل به مادر و پذیرش هرکدام از این نظریه‌ها حق ارث تعیین خواهد شد. بحث محرمیت و حضانت هم در ضمن مباحث غیرمالی قرارداد رحم اجاره‌ای مطرح شد که بسته به حالت‌های گوناگون انتساب طفل به پدر و مادر مورد بررسی قرار گرفتند.

منابع و مأخذ

- «رحم اجاره‌ای و مشکلات ناشی از آن»، نشریه شهرقانون، شماره ۱، بهار ۱۳۹۱ش.
- ناصر بیرامی فارفار و نجمه رزم‌خواه، «نسب کودکان متولد شده از رحم اجاره‌ای؛ مطالعه‌ی تطبیقی در حقوق موضوعه‌ی ایران و ترکیه»، پژوهشهای حقوقی، شماره ۴۱، بهار ۱۳۹۹ش.
- سید احسان رفیعی علوی و محمدصادق ذوقی، «نقش فرزندآوری از طریق دریافت جنین: بررسی حق طلاق زوجه در خصوص بند ۱۰ سند ازدواج»، رأی، شماره ۱۶، پاییز ۱۳۹۵ش.